

مقایسه عملکرد امام علی (علیه السلام) و معاویه در برقراری امنیت در خلافت اسلامی

پوریا اسمعیلی^۱

چکیده

امنیت در ابعاد نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فردی حق طبیعی افراد جامعه است. حکومت‌ها باید با روش‌های صحیح امنیت را در ممالک خود تحقق ببخشند. در طول تاریخ برخی حاکمان چون معاویه تلاش کردند تا برای حفظ منافع شخصی و صرفاً در بعد نظامی امنیت ایجاد کنند. برخی حاکمان چون امام علی (علیه السلام) نیز تلاش کردند تا امنیت جامعه را در همه ابعاد برقرار کنند. مسئله اصلی پژوهش این است که شباهت‌ها و تمایزهای برقراری امنیت در عصر امام علی (علیه السلام) و معاویه چه بوده است؟ به نظر می‌رسد شباهت میان دو حاکم مانع از تجاوز دشمنان خارجی به سرزمین‌های اسلامی بوده است. امام علی (علیه السلام) امنیت را بر مبنای الگوبرداری از قوانین الهی برای حراست از مردم و جامعه اسلامی در همه ابعاد آن ایجاد کرده بود در حالی که معاویه با انجام فتوحات، ایجاد رعب و وحشت و زورگویی اولویت اصلی خود را حفظ امنیت امویان در نظر گرفته بود. این مقاله با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای ابعاد گوناگون موضوع را مورد تحلیل قرار داده و نشان داده است که امام علی (علیه السلام) با نگرش قرآنی توأم با عدالت و به‌رغم مخالفت‌های اشراف، ادامه دهنده راه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در صدد تأمین امنیت تمام مسلمانان بود؛ درحالی که امنیت در نظر معاویه تنها نگهداری قدرت و پایداری بنی امیه بود.

کلیدواژه‌ها: امام علی (علیه السلام)، امنیت، جامعه اسلامی، خلافت اسلامی، معاویه.

۱. دکتری تاریخ ایران دوره اسلام، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. Historian.p@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۰۳/۱۲/۰۷

درآمد

پس از پایان فتوحات نخستین، گسترش قلمرو خلافت اسلامی، قدرت‌طلبی و دنیاگرایی برخی از صحابه و ورود افرادی از نژادهای متنوع به جامعه اسلامی که برخی تازه مسلمان و برخی غیر مسلمان بودند، تأمین امنیت بسیار دشوار بود. به همین علت نظارت دقیق بر اجرای قوانین شرعی و عرفی در جامعه اسلامی ضروری به نظر می‌رسید؛ از این‌رو، امام علی علیه السلام پس از قبول خلافت تا هنگام شهادت وظیفه سنگینی در حوزه امنیت داشت تا بتواند رسالت خویش یعنی ایمنی مسلمانان را تأمین کند. معاویه هم پس از آن‌که به قدرت رسید برای حفظ حکومت تازه تأسیس اموی تدابیر شدیدی را اتخاذ کرد که با اقدامات امام علی علیه السلام متفاوت بود؛ زیرا هدف وی حکومت کردن بر مردم آن‌هم با اهداف و تمایلات شخصی، متکی بر توانمندی امویان بود که با احکام الهی و سنت رسول الله همسویی نداشت. سؤال اصلی پژوهش این است که شباهت‌ها و تمایزهای برقراری امنیت در خلافت امام علی علیه السلام و حکومت معاویه چه بوده‌است؟ به نظر می‌رسد تنها شباهت میان این دو ممانعت از تجاوز بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی بوده‌است اما برقراری امنیت در ابعاد مختلف توسط امام علی علیه السلام بر مبنای الگوبرداری از قوانین الهی برای حراست از مردم بود، و معاویه با انجام فتوحات، ایجاد رعب و وحشت و زورگویی اولویت اصلی خود را حفظ امنیت امویان در نظر گرفته بود.

پیشینه پژوهش

پیرامون این موضوع تطبیقی تا کنون تحقیقی انجام نشده‌است. تعدادی از محققان به صورت مجزا تحقیقاتی انجام داده‌اند. اکبری (۱۳۸۹ش) در مقاله «سیره امنیتی و اطلاعاتی امام علی علیه السلام» با نگاه کلی مسئله امنیت را در دوران خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بررسی کرده است. عاشوری لنگرودی (۱۳۷۹ش)، در «امام علی علیه السلام و امنیت ملی» نیز تنها به مؤلفه‌های مهم امنیت آن‌هم به اختصار در روزگار امام علی علیه السلام پرداخته است. حاجی‌زاده (۱۳۹۷ش) در مقاله «کسب امنیت ملی از منظر امام علی علیه السلام با تأکید بر نقش و کارکرد نیروهای نظامی و انتظامی»، امنیت را در بخش نظامی با هدف الگوبرداری و تأثیرگذاری در زمان حال مورد واکاوی قرار داده است. پاشایی هولاسو و همکاران (۱۳۹۶ش) در مقاله «شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق امنیت ملی در نهج البلاغه»، معنا و مفهوم امنیت را بررسی کرده‌اند. شیرکش و همکاران (۱۳۹۷ش)، در «راهنمای اطلاعاتی امنیتی امام علی علیه السلام در دوران حکومت» اقدامات اطلاعاتی امام علی علیه السلام را در حوزه امنیت پژوهش کرده‌اند. تقی‌زاده (۱۴۰۲ش)، در مقاله «امنیت از نگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه با تأکید بر ابعاد راهبردی آن در امر حکومت»، ابعاد راهبردی امنیت را در سخنان آن امام بزرگوار در نهج البلاغه شرح داده است. فشی و نبی (۱۳۹۷ش)، در «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی نامه ۵۳ نهج البلاغه»، امنیت را صرفاً بر اساس نامه ۵۳ نهج البلاغه مورد تحلیل قرار داده‌اند. لزگی و همکاران (۱۳۹۹ش)، در

مقاله «مؤلفه‌های آمادگی دفاعی فرماندهی و مدیریت نظامی در نهج البلاغه با تأکید بر سرمایه انسانی» نیز به ابعاد گوناگون آمادگی دفاعی و مدیریت در امر نظامی در نهج البلاغه بر اساس نیروهای انسانی پرداخته‌اند. خسروی و لک‌زایی (۱۳۹۵ش)، در مقاله «امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علی علیه السلام با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر»، امنیت اقتصادی را بر اساس توصیه امام علی علیه السلام به مالک اشتر بررسی کرده‌اند. عالمی (۱۳۹۱ش)، در «معاویه و باز تعریف سیره خلیفه به سبک کسرابی و قیصری» به اشرافی‌گری معاویه پرداخته و در میان آن به مسئله تأمین امنیت در روزگار وی اشاره‌ای داشته است. با این همه انجام یک تحقیق علمی با روش مقایسه‌ای در راستای فهم و شناخت بهتر رویکرد الهی امام علی علیه السلام و رویکرد استبدادی معاویه ضروری به نظر می‌رسد.

مؤلفه‌های امنیت پیش از امام علی علیه السلام

امنیت در لغت از ریشه «امن» به معنای ایمن شدن، اطمینان، آرامش قلب و آسایش از هرگونه تهدید و زور است (معین، ۱۳۸۱: ۱۹۴/۱). مؤلفه‌های آن با توجه به شرایط سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روزگار کهن با مفهوم امروزی تفاوت‌های بسیار دارد. در گذشته امنیت برای حفظ بقا و تأمین نیازهای اولیه انسان و جوامع به کار برده می‌شد. کسانی که قادر به حفظ ضروریات زندگی خویش نبودند، امنیت نداشتند. بعدها امنیت را در ایجاد کار گروهی و همکاری متقابل میان انسان‌ها برای رفع مشکلات در نظر گرفتند. با ایجاد مالکیت خصوصی و انباشت ثروت، افراد برای حفاظت از اموال خود در مقابل تجاوز دیگران و بلایای طبیعی تلاش کردند تا به هر شیوه‌ای امنیت خود را تضمین کنند. اشخاصی که در بین قبایل و گروه‌های مختلف شهری و روستایی زندگی می‌کردند، کسب امنیت را ماندن در میان مردم و حفظ هویت خود یعنی فرهنگ، زبان، آداب و رسوم و ارزش‌ها که باعث همبستگی می‌شد، می‌دانستند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۷۳). با توجه به ساختار اقتصاد شبانی و کشاورزی و نیز تسلط حاکمیت استبدادی بر این جوامع، طبیعی بود که عناصر اصلی امنیت در این سرزمین‌ها از جمله ممالک اسلامی چنین باشد. در چنین جوامعی که جنگ و نزاع بر سر قدرت‌طلبی و گسترش قلمرو صورت می‌گرفت، اولویت نخست امنیت، حراست از جان و مال مردم بود به‌طوری که، در بیشتر مواقع طوایف با یکدیگر متحد می‌شدند تا امنیت و آرامش خود را تضمین کنند. حکومت‌های نیرومندی تلاش می‌کردند تا با بهره‌گیری از قدرت، عامه مردم را به اطاعت و تمکین وادارند و به آنها بفهمانند که تبعیت از پادشاه امنیت جامعه را به دنبال دارد تا بدین طریق، پایه‌های همبستگی عشیره‌ای و خویشاوندی را سست کنند و بر اقتدار خویش بیفزایند. بنابراین تحول در ساخت جوامع و تبدیل شدن آن از بدوی به مدنی مبتنی بر دولت، هدف اصلی حاکمان بود (دورانت، ۱۳۷۰: ۲۹/۱). ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که در زمان حاکمیت دین بر جامعه مثل دوره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام اصلی‌ترین عامل امنیت خداپاوری و دین‌مداری معرفی شد.

از دیدگاه پیشوایان ناامنی و نگرانی، حاصل بی‌دینی بود و اگر کسی به خداوند متعال اعتماد می‌کرد ایمن می‌شد و ترس از او دور می‌شد.

مقایسه اقدامات امام علی علیه السلام و معاویه در برقراری امنیت

الف) امنیت سیاسی و نظامی

در روزگار خلافت امام علی علیه السلام (حک. ۳۵-۴۰) با توجه به فضای ملتهب جامعه پس از قتل خلیفه سوم، برقراری نظم و تأمین امنیت برای آن حضرت کار ساده‌ای نبود. نوع حکومت خلفای سه‌گانه و تغییر سبک حکمرانی توسط امام علی علیه السلام با شعار عدالت و برابری و کوتاه کردن دست افراد فرصت-طلب باعث شد تا عده‌ای از اشراف و صحابه بسان طلحه و زبیر و نیز معاویه به بهانه انتقام گرفتن از قاتلان عثمان و سپس خوارج با تفکرات خاص خود که پس از جریان حکمیت پدید آمده بود، آشوب و جنگ ایجاد کنند و چالش‌هایی را برای رهبری امام علی علیه السلام ایجاد کنند. امام تمایلی به درگیری و جنگ داخلی نداشت و حتی شورشیان و معترضان را نصیحت می‌کرد تا بدون خونریزی از حکومت تبعیت کنند اما سرانجام چاره‌ای به غیر از جنگ نبود و همان‌طور که از تحلیل متون تاریخی نظیر اخبارالطوال ابوحنیفه دینوری (۱۳۸۴: ۱۸۰-۲۵۷)، الفتوح ابن‌اعثم کوفی (۱۴۱۱: ۳۲۱-۵۳۷)، مروج الذهب مسعودی (۱۳۸۲: ۷۱۴-۷۷۷) و کامل ابن‌اثیر (۱۳۸۵: ۱۷۵۳/۴-۱۸۶۴، ۱۸۶۷-۱۹۸۰/۵) استنباط می‌شود، این سه نبرد امنیت را تحت‌الشعاع قرار داد و هزینه‌های زیادی به امیرالمؤمنین تحمیل کرد. به‌ویژه معاویه که برای ضربه زدن به مدیریت آن حضرت و ناکارآمد نشان دادن حکومت ایشان فضای جامعه اسلامی را ناامن و ملتهب کرده بود. برای معاویه تنها قدرت مهم بود و می‌خواست تا به هر روشی به آن برسد. او فقط منفعت خاندان اموی را مد نظر داشت. بعدها که معاویه سلسله امویان را بنا نهاد همین روند را حفظ و تداوم بخشید و با توسعه‌طلبی و اعمال قدرت بر مسلمانان سایه افکند و نظام سلطنت موروثی فرا قبیله‌ای^۱ با ساختار و تشکیلات وسیع را بنیاد نهاد.

معاویه در بعضی از مناطق افرادی را تحریک می‌کرد تا دست به غارت بزنند. امام علی علیه السلام و کارگزارانش نیز با این شورش‌ها و غارات مقابله می‌کردند (مفید، ۵۲۳/۲-۵۲۷). نعمان بشیر یکی از هواداران امویان بود که سرزمین‌های مختلفی مثل عین‌التمر^۲ را در سال ۳۹ چپاول کرد (ابن‌جوزی، بی‌تا: ۱۵۷/۵). عبدالله بن مسعده با رضایت معاویه در عراق، مکه و مدینه به خرابکاری و آزار مردم پرداخت و به فرمان وی به زور از مردم زکات گرفت و مخالفان را به قتل رساند (همان، ۱۵۸/۵).

1. Patrimonialism

۲. منطقه‌ای در غرب کوفه و حوالی انبار.

ضحاک بن قیس نیز به چنین تهاجم و غارت‌هایی روی آورد (ثقفی، بی‌تا: ۴۱۶/۲-۴۲۶). بسر بن ابی ارطاه یکی دیگر از سرداران معاویه با قساوت به مکه، مدینه و یمن هجوم برد و با خشونت فراوان مردان، زنان و کودکان بالاحص شیعیان را کشت، خانه‌ها را آتش زد (ذهبی، ۱۹۸۹: ۳۶۹/۵؛ مسکویه، ۱۳۷۹: ۵۶۴/۱؛ مفید، ۱۳۷۲: ۳۲۱/۱-۳۲۲).

امام صرف نظر از تقابل با این شورش‌ها، با تکیه بر قوانین الهی و تجربه ارزنده خود گام‌های مؤثری در حفظ امنیت مسلمین برداشت. ایشان همواره به مخالفان می‌فرمود: تا زمانی که با حکومت همراه باشید و در جامعه اسلامی در صلح زندگی کنید، شما را از ورود به مساجد، گرفتن سهم از بیت‌المال و عبادت خداوند متعال باز نخواهم داشت و تا هنگامی که با ما نبرد نکردید با شما نبرد نخواهم کرد (مسکویه، ۱۳۷۹: ۵۵۷/۱). این رفتار بیانگر آن است که امام علی علیه السلام به هر نحوی می‌خواست افراد و گروه‌های ضد خلافت علوی را از تحرک و ایجاد ناامنی دور کند تا آرامش مردم از بین نرود و اعصاب و روان جامعه آسوده باشد. وی از همان ابتدا با سستی و تبلی یاران و سپاهیان خود در تقابل با غارتگران اهل شام برخورد کرد. او آنان را موجب از دست رفتن عزت و امنیت مردم دانست و سعی کرد تا با نصیحت و هشدار آنان را از خطرات موجود آگاه کند (خطبه ۲۷). ایشان همچنین کوفیان را هم به سبب ترک جهاد با دشمنان و نیروهای معاویه توبیخ کرد (خطبه ۴۳). زمانی که سفیان بن عوف غامدی به انبار حمله کرد و قوای نظامی ایشان جلوی مانع غارت و خرابکاری او را نگرفتند؛ امام علی علیه السلام به سبب سستی و بی‌کفایتی و عدم هماهنگی میان لشکریانش آنان را سرزنش کرد. او گفت ترک جنگ و جهاد موجب ذلت و حقارت است و خسارت‌های فراوانی را برای مسلمانان به دنبال خواهد داشت (خطبه ۲۷).

امام علی علیه السلام با آسیب‌شناسی و سنجش توان نظامی تصمیم گرفت تا کارگزاران با تجربه را به نقاط مرزی گسیل دارد تا مانع تجاوز به سرزمین‌های اسلامی شود. مالک اشتر و سرداران شجاع در مقابله با دشمنان و تبهکاران نقش بسزایی داشتند. امام در نامه ۵۰ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أُخْتَجَرَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ؛ آگاه باشید حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم»؛ یعنی این که که در خصوص حراست از امنیت نباید اسرار نظامی نمایان شود و بایستی جلوی جاسوسان گرفته شود تا دشمن نتواند سپاهیان اسلام را در شرایط دشوار قرار دهد (نامه ۵۰). ایشان در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه راجع به اهمیت قوای نظامی می‌فرماید: «... سپاهیان به اذن پروردگار حافظان و پناهگاه رعیت، زینت زمامداران و شوکت دین و راه‌های امنیت هستند».

معاویه هم مثل امام علی علیه السلام امنیت مرزها را امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانست. او در فرصتی که داشت در مرزها بالاحص در مقابل رومیان سنگربندی‌هایی ایجاد کرد و با تقویت نیروی دریایی بر جزایر روبه‌روی شامات در مدیترانه تسلط یافت و با حمله به شمال آفریقا شورشیان را سرکوب و

خطوط دفاعی احداث کرد. بنای شهر قیروان در سال ۵۰ بیانگر اصرار او بر ادامه فتوحات بود (بالاذری، ۱۹۵۷: ۱۸۲، ۲۰۸، ۳۲۰). او فتح ممالک را باعث ثبات و امنیت تلقی می‌کرد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به گردآوری تجهیزات نظامی اهمیت بسیاری می‌داد. مثلاً، در جنگ جمل کسانی را به مدینه فرستاد تا برای سپاهیان سلاح‌ها و ستوران مناسبی تهیه کنند تا هنگام نبرد کمبودی نداشته باشند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۷۸۱/۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۳۷/۱۳). در نبرد صفین هم که در برابر نظامیان معاویه صف‌آرایی کرد به یاران خویش دستور داد تا تجهیزات لازم را در اسرع وقت جمع‌آوری کنند تا از نظر سلاح دچار ضعف نشوند (خطبه ۲۶). ایشان در تقابل با خوارج از مردم خواست تا با تمام قوا اسبان و افراد توانمند آماده کنند (بالاذری، ۱۴۱۷: ۳۷۹/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۶۱۵/۶). امام در نامه ۱۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «فَإِذَا نَزَلْتُمْ بَعْدُ أَوْ نَزَلَ بِكُمْ، فَلْيَكُنْ مَعَكُمْ فِي قُبُلِ الْأَشْرَافِ، أَوْ سِفَاحِ الْجِبَالِ، أَوْ أَثْنَاءِ الْأَنْهَارِ؛ چون بر دشمن وارد شدید یا دشمن بر شما وارد شد، باید لشکرگاه شما در محلی بلند، یا دامنه کوه‌ها، یا بین رودها قرارگیرد». ایشان تأکید داشت سپاهیان در نقاط مرتفع و اطراف رودها قرارگیرند تا راه بر دشمن بسته شود و سربازان در کنار هم باشند زیرا پراکنده شدن به شکست منجر می‌شود: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَقَدِّمَةَ الْقَوْمِ عُيُونُهُمْ، وَ عُيُونَ الْمُقَدِّمَةِ طَلَائِعُهُمْ. وَإِيَّاكُمْ وَ التَّفَرُّقَ؛ بدانید مقدمه لشکر دیده‌بانان دشمن اند، و دیده‌بانان جاسوسان ارتش اند؛ از پراکندگی و تفرقه بپرهیزید»؛ «وَ إِذَا غَشِيَكُمْ اللَّيْلُ فَاجْعَلُوا الرِّمَاحَ كِفَّةً، وَ لَا تَذُقُوا النَّوْمَ إِلَّا غِرَاراً أَوْ مَضْمَضَةً؛ و چون شب فرا رسد نیزه‌ها را گرداگرد خود نگاه دارید، خوابتان اندک باشد یا همانند مضمضه آب در دهان». امام تجارب خویش را در اختیار قوای نظامی می‌گذارد تا غفلت نکنند و بدانند در نبردها چگونه با دشمنان وارد پیکار شوند.

استفاده از عناصر با تجربه و گردآوری اطلاعات از دشمن و تحقیقات پنهانی از جبهه مقابل از دیگر اقدامات مهم امام علی علیه السلام برای کسب پیروزی بود (شیرکش و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۷). امام با صبر و مهارت به این کار می‌پرداخت و با ایجاد هیجان و تقویت روحیه پایداری و نیز خواندن سرودهای شورانگیز سپاهیان را وارد کارزار می‌کرد (لزگی، صافحیان و محمدجعفری، ۱۳۹۹: ۱۳۴). ناگفته نماند که معاویه هم در زمینه کسب اطلاعات از دشمن عملکردی مشابه داشت زیرا این موضوع کمک بسیاری به اهداف نظامی و امنیتی آنان می‌کرد. او جاسوسان زیرک را به کار می‌گرفت تا اسرار دشمنان را کشف و سرانجام با تهیه نقشه و بررسی‌های مکرر وارد نبرد شوند.

امام علی علیه السلام امنیت نظامی را مایه وحدت و آرامش مسلمین دانسته است که از نظر او نسبت به دیگر شاخه‌های امنیت در اولویت قرار دارد. وی هدف از تشکیل حکومت اسلامی را امنیت بخشی، اجرای حدود الهی، یاری مظلومان و آرامش مسلمین دانسته است. ایشان مثل سایر حاکمان و یا به عبارت دیگر، همچون معاویه نبود که بخواهد به هر وسیله و حقه‌ای از امنیت بهره‌برد و اخلاق و کرامت انسانی را در نظر نگیرد. ایشان همواره دستورهای قرآنی و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را سرلوحه

خود داشت و حتی حاضر نبود معاویه را که امنیت نسبی در شام ایجاد کرده بود بر آن خطه ابقا کند زیرا عملکرد او را بر خلاف سنت الهی و آیات قرآنی می‌پنداشت (منقری، ۱۴۰۴: ۵۲؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۵۱۵/۲). امام علی علیه السلام زندگی همراه با ترس را امری ناشایست و فاقد ارزش و حیات توأم با وحشت را جایز نمی‌دانست (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۱۳). ترس باعث بر هم زدن تمرکز و کاهش توانایی، اراده و ضعف انسان می‌شود و در نهایت، امنیت را به خطر می‌اندازد. انسان شجاع هیچ‌گاه اسیر ترس نخواهد شد و می‌تواند با قوت قلب حاصل از توکل به خداوند و تدبیر و برنامه درست دشمن را به عقب‌نشینی وادار کند.

ب) امنیت اقتصادی

از مهم‌ترین اقدامات امام علی علیه السلام ایجاد بسترها و زمینه‌های مناسب استقلال اقتصادی بدون وابستگی به دیگران در جهت تولید، توزیع و مصرف صحیح ثروت همراه با آسایش و بدون ترس با اندیشه دین‌داری و آخرت‌گرایی بود (خسروی و لک‌زایی، ۱۳۹۵: ۱۰۹، ۱۱۲). تا مردم در کنار برقراری عدالت به رفاه برسند و از فقر رهایی یابند. بنابراین اساس این کار تقسیم عادلانه بیت المال متکی بر حق الناس بود که امام تا روز شهادت بدان اهمیت می‌داد و باعث شد تا در دوران کوتاه خلافتش امنیت اقتصادی شکل بگیرد. ایشان در خطبه ۱۲۶ نهج‌البلاغه هنگامی که او را مورد عتاب قرار دادند که چرا عطایا را به تساوی تقسیم می‌کند، فرمود: «آیا مرا فرمان می‌دهید که پیروزی را طلب کنم، به ستم کردن بر کسی که زمامدار او شده‌ام؟ به خدا سوگند، چنین نکنم تا شب و روز از پی هم می‌آیند و در آسمان ستاره‌ای از پس ستاره دیگر طلوع می‌کند. اگر این مال از آن من می‌بود، باز هم آن را به تساوی به میانشان تقسیم می‌کردم. پس چگونه چنین نکنم، در حالی که، مال از آن خداوند است. سپس فرمود: بخشیدن مال به کسی که حق او نباشد، خود گونه‌ای تبذیر و اسراف است که بخشنده را در این جهان برمی‌افرازد و در آن دنیا پست می‌سازد؛ در میان مردم مکرّمش می‌دارد و در نزد خدا خوار می‌گرداند. هرکس دارایی خود را بی‌جا صرف کند و به ناهلش ببخشد، خداوند از سپاسگزاری آنها محروم‌ش گرداند. آنان به جای او، دیگری را به دوستی خواهند گرفت و اگر روزی او را حادثه‌ای پیش آید و به یاریشان نیاز افتد، آنان را بدترین یاران و سرزنش‌کننده‌ترین کسان خود خواهد یافت».

معاویه در مقایسه با امام علی علیه السلام بیت المال را خزانه شخصی خود کرد و در تنظیم دیوان مال از سرجون بن منصور و پسرش منصور بن سرجون کمک گرفت و ثروتمند شد (برزگر، ۱۳۸۶: ۱۶۷). سپس بخشی از آن را به امور نظامی، فتوحات، بخشش به صاحب منصبان و سرکوب شورشیان اختصاص داد و با صرف هزینه‌های هنگفت کاخ‌های زیبا ساخت و آن را با فرش‌های گران‌بها آراسته کرد و بین خود و رعیت فاصله انداخت (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۶۸). بنابراین منافع

مردم و مساوات در روزگار او معنا نداشت. همین مسئله امنیت اقتصادی مردم را به شدت کاهش داد و مشکلات بسیاری برای طبقات فرودست ایجاد کرد. معاویه ولایت خراج را از ولایت عامه جدا کرد؛ این در حالی بود که در دوره خلافت امام علی علیه السلام و حتی خلفای سه گانه کارگزار سیاسی و مالی یکی بودند و اجحافی به مردم نمی شد. اما وی عبدالله بن دراج را والی خراج عراق کرد (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۱۴۵/۲) و خراج های سنگینی از مسلمانان گرفت و از توان اقتصادی آنان کاست (الریس، ۱۳۷۳: ۱۸۶). اقدامات او در مدینه هم به فقر و بدهکاری انصار دامن زد و باعث شد تا آنان اراضی خود را بفروشند و گرفتار بحران شوند. پس از آن امویان با خرید و یا مصادره زمین های انصار به ثروت کلانی رسیدند و تجارت و مسائل مالی خود را تثبیت کردند. آنان اصلاً منافع و آرامش اقتصادی مردم را در نظر نمی گرفتند (گراوندی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۷). غیرمسلمانان هم در دوران معاویه هنگام پرداخت جزیه دچار مشکل شدند. آنان در عصر خلفای راشدین به ویژه امام علی علیه السلام در تنگنای مالی نبودند ولی مأموران معاویه برای دریافت مالیات زمین از اهل ذمه بیداد کردند و آنچه را که می خواستند از مردم گرفتند و آنها را فقیر کردند (زیدان، ۱۳۷۹: ۲۳۱). آنچه مسلم است امام علی علیه السلام بر خلاف معاویه مصلحت مسلمانان را در نظر گرفته بود. ایشان در امر اصلاح مالیات کوشید و فرمود که گرفتن مالیات از روی اصول و منطق علاوه بر افزایش درآمدهای مالیاتی موجب عمران و آبادانی و کاهش محرومیت و فقر خواهد شد. در این صورت فرصت های شغلی ایجاد خواهد شد و با تولید ارزاق عمومی اقتصاد رشد خواهد کرد و تنگدستی از میان خواهد رفت (امامت پژوهی، ۱۳۸۹: ۳۶۹).

امیرالمؤمنین توجه شایانی به بازار، کاسبان، بازرگانان و اوقاف داشت و بر معاملات مردم و داد و ستد آنان نظارت می کرد. روزی میثم تمار خرمایی برای فروش به بازار آورده بود. امام با کمال تعجب مشاهده کرد که او خرماها را به دو قسمت کرده، پرسید: میثم! چرا خرماها را این طور تقسیم کرده ای؟ عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! خرماهای خوب و بد را از هم جدا کرده ام و خوبها را به قیمت بیشتر می فروشم تا هر که توانست بخرد. امام علی علیه السلام فرمود: خرماها را در هم آمیز و آنها را به یک قیمت بفروش و مردم را به دو طبقه تقسیم نکن (همان، ۳۶۸). از این روایت مشهود است که خواسته آن حضرت اجرای عدالت، امنیت و رونق اقتصادی با تشویق تجار به معامله درست و نیز جلوگیری از انحراف و هرج و مرج است تا بدین صورت، فاصله طبقاتی شکل نگیرد و امنیت معیشتی تحت الشعاع تبعیض واقع نشود. در عهدنامه مالک اشتر (نامه ۵۳) آمده است که خرید و فروش بایستی آسان انجام گیرد و با معیارهای عدالت و قیمت هایی مطلوب سنجیده شود تا کسی ضرر نکند و اگر کسی احتکار کرد عقوبت شود. تمام این موارد نشان دهنده دقت عمل امام علی علیه السلام بر اقتصاد جامعه اسلامی است که با رویکرد معاویه تفاوت اساسی دارد.

ج) امنیت اجتماعی و قضایی

امنیت داخلی جامعه اعم از خانواده، طوایف، قبایل و گروه‌ها، در کنار مسائل مرزی و جنگ با مخالفان برای امام علی علیه السلام مهم بود. بدین ترتیب، ایشان برای احقاق حق و دفاع از افراد ستم‌دیده دیوان مظالم، قضا و نهادهایی مثل، شرطه^۱ تشکیل داد (لباف، ۱۳۸۵: ۷۸). این نهادها وظیفه داشتند تا با پیروی از احکام شرعی امنیت مردم را از حیث حقوقی و اجتماعی تضمین کنند. با مدارا و حفظ امنیت اشخاص، اجتماع نیز به آرامش می‌رسید و همین امر به رشد و ترقی تمدن اسلامی می‌انجامید. بنابراین امیرالمؤمنین با درک این موضوع درصدد بود تا با اصلاح ساختار جامعه امنیت را به ارمغان آورد و هرگز اجازه نمی‌داد تا حقوق کسی پایمال شود. او در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه هدف خلافت خویش را بر پا داشتن احکام خدا، اصلاح شهرها و آسودگی محرومان بیان کرده است.

رسیدگی به وضعیت قبایل و طوایف گوناگون هم با نظارت مستقیم امام علی علیه السلام صورت می‌گرفت. ایشان تلاش وافری کرد تا میان آنان درگیری و خونریزی رخ ندهد تا بدین شکل، نظم جامعه مختل و پیمان‌ها شکسته نشود. ایشان هرگز برای حراست از حکمرانی خود تفرقه‌افکنی نکرد؛ در حالی که معاویه با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون سعی کرد با ایجاد آشوب بین گروه‌های عرب از قوی شدن آنان بر ضد حاکمیت جلوگیری کند تا در فرصت مناسب آنها را سرکوب کند.

عسس (شبگرد) و محتسب مسئول نظم‌بخشی به جامعه بودند؛ به‌ویژه محتسبان که با اعمال ناپسند برخورد و گران‌فروشان و محتکران را مجازات می‌کردند (ابن‌ال‌خوه، ۱۹۷۶: ۵۱). این مأموران در عصر امام علی علیه السلام حق نداشتند خطایی مرتکب شوند و تحت نظارت امیرالمؤمنین تنبیه، تشویق و تأمین مالی می‌شدند (شیرکش و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۸)؛ در حالی که در دوره معاویه برخی از آنها به مردم اجحاف کرده و عادلانه رفتار نمی‌کردند و به اموال آنها چشم طمع می‌دوختند. طرز حکومت امویان نارضایتی‌های اجتماعی را در پی داشت اما به علت فضای بسته سیاسی کسی نمی‌توانست اعتراض کند؛ در حالی که در دوران امام علی علیه السلام مردم حق داشتند تا برای دستیابی به عدالت و امنیت نظر بدهند.

امام علی علیه السلام با فساد اداری، سرقت و خرابکاری مقابله و کارگزاران خود را به اصلاح امور سفارش می‌کرد که نگذارند بیت المال به هدر رود. ایشان همواره رفتار آنان را پنهان و آشکار توسط نیروهای امنیتی و یا گزارش‌های مردمی زیر نظر داشت تا از امانتداری و رفتار آنها با زیردستان مطمئن شود. همچنین آنان را از خطرات احتمالی آگاه و مرتب پند و اندرز می‌داد (فشی و نبئی، ۱۳۹۷: ۶۴). ایشان با برنامه‌ریزی و تدبیر درست سعی داشت شرایط جامعه بسان عصر نبوی موجب سعادت و خیر

۱. شرطه از ریشه کلمه «شرط» به معنای نشانه و علامت است که از نخبگان نظامی بودند و اعمال قانون و نظم خلافت اسلامی وظیفه اصلی آنها محسوب می‌شد (نک. ابن‌منظور، بی‌تا: ۵۷/۸).

دنیوی و اخروی مردمان شود. امام با منافقان و کسانی که نظم و انسجام جامعه را با تفرقه بر هم می- زدند به سختی رفتار می کرد و در بدترین حالت آنها را مستوجب قتل می دانست و در این زمینه کاملاً جدی و مصمم بود (شهیدی، ۱۳۶۶: ۵۱).

امیرالمؤمنین معتقد بود که بالاترین مقام حکومت باید انتقادپذیر باشد و نقاط ضعف را بفهمد. مردم باید بدون ترس دیدگاه های خود را مطرح کنند تا وی به رفتار و عملکرد خویش به خوبی بنگرد و با درایت مشکلات را حل کند و اجازه ندهد امنیت اجتماعی مسلمین از بین برود. او در همه حال باید با عدالت و ملاحظت رفتار کند و قدردان زحمات پیروان و نظامیان باشد زیرا آنها همراهان خلیفه و حافظان نظم در جامعه هستند و باید در ملازمت با رهبر مسلمانان احساس امنیت کنند تا با انگیزه مضاعف در راستای ایمنی مردم گام بردارند. به همین سبب در خطبه ۱۱۸ می فرماید: «أَنْتُمْ الْأَنْصَارُ عَلَى الْحَقِّ وَالْإِخْوَانُ فِي الدِّينِ وَالْأَجَنُّ يَوْمَ الْبَاسِ وَالْبِطَانَةُ دُونَ النَّاسِ، بِكُمْ أَضْرَبُ الْمُدِيرَ وَ أَرْجُو طَاعَةَ الْمُقْبِلِ، فَأَعِينُونِي بِمَنَاصِحَةِ خَلِيَّةٍ مِنَ الْغَشِّ سَلِيمَةٍ مِنَ الرَّيْبِ، قَوْلًا لِلَّهِ إِنِّي لَأَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ؛ شما یاران حق و برادران دینی من هستید، در روز جنگ، چون سپر محافظ دورکننده ضربت ها، و در خلوت ها محرم اسرار من هستید، با کمک شما پشت- کنندگان به حق را می گویم و به راه می آورم، و فرمانبرداری استقبال کنندگان را امیدوارم؛ پس مرا، با خیرخواهی خالصانه و سالم از هرگونه شک و تردید یاری کنید. به خدا سوگند من به مردم از خودشان سزوارترم». در حالی که معاویه هر زمان که لازم می دانست ملازمان خود را کنار می- گذاشت و یا از آنها استفاده ابزاری می کرد. امنیت افراد جامعه حتی شخص خلیفه برای او مهم نبود و فقط دنبال تأمین امنیت امویان بود. چنان که در محاصره منزل عثمان امنیت خلیفه سوم را به عهده نگرفت و باعث شد تا معترضان به سهولت وی را بکشند (طبری، ۱۳۸۷: ۳۶۸/۴). معاویه در آستانه مرگ برای این که یزید بتواند حکومت شام و امنیت بنی امیه را حفظ کند، خطاب به وی گفت که همواره به هر شیوه ای مردم این خطه را پشتوانه خود سازد تا در مواقع خطر از آنان بهره گیرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۱۶۸/۵). او با این تفکر مردم را سپر بلای حکومت و ابزاری برای امنیت امویان به حساب آورد؛ در حالی که امام علی علیه السلام نهاد خلافت را موظف کرد تا به هر شکلی امنیت مردم را تأمین کنند. علاوه بر این، معاویه در نامه ای به اهل شام خود را کاتب وحی (ابن- ابی الحدید، ۱۹۶۵: ۷۲/۴)، فردی برگزیده و صالح از طرف خداوند متعال معرفی کرد تا بدین- صورت، کسی جرأت شورش نداشته باشد. او با جعل حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: مردی از بهشت ظاهر می شود، پس معاویه در آمد (ابن عساکر، بی تا: ۶۹۴/۱۶)؛ سعی کرد تا با القای تفکر سایه خدا بودن، مشکل مشروعیت و امنیت حاکمیت را حدودی حل کند و به اقتدار کاریزماتیک دست یابد. او قصد داشت تا جامعه وی را بسان امام علی علیه السلام به عنوان رهبر دینی پذیرا باشند.

معاویه برای امنیت بیشتر خود، نگهبان و حاجب برگزید و محراب مساجد را با نرده، محفوظ ساخت تا از آسیب و صدمه مخالفان و معترضان در امان بماند (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۱۶۵/۲؛ دینوری، ۱۳۸۴: ۲۶۲)؛ در حالی که امیرالمؤمنین هیچ وقت نخواست بین خود و مردم فاصله اندازد. حاکم اموی با احیای تفکر قبیله‌گی به دنبال اندیشه سلطنت بود و با دادن پاداش به برخی از مردم، طرفداران عثمان و افرادی که به او تمایل داشتند و نیز جنگاوران و بزرگان صفین پایه‌های قدرت خویش را تثبیت کرد (ابن‌کثیر، ۱۹۷۴: ۱۳۱/۸؛ جاحظ، ۱۹۱۴: ۵۵-۵۷). امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه به شدت با چنین طرز تفکری مخالفت کرد و آن را مایه فروپاشی وحدت مسلمین و بازگشت به سنت جاهلی تلقی کرد که پایه‌های امنیت اجتماعی را سست می‌کند. ایشان هرگز برای دوام پایگاه خویش مانند معاویه به اقشار مردم رشوه نداد و با امنیت کاذب و ظاهری مخالف بود.

راجع به مسائل قضایی هم باید گفت که در دوران حاکمیت علوی دستگاه قضا استقلال داشت و قضات بدون ترس و فشار، احکام را بر مبنای شرع صادر می‌کردند و مردم نسبت به عدالت و قاطعیت آنها تردید نداشتند؛ در حالی که در زمان معاویه قاضیان به راحتی عزل و نصب می‌شدند و حکومت در رأی آنان مداخله و قوانین شرعی را زیر پا می‌گذاشت (برزگر، ۱۳۸۶: ۱۵۵).



نتیجه

امیرالمؤمنین علی علیه السلام و معاویه برای برقراری امنیت در جامعه اسلامی کارهای مختلفی انجام می‌دادند. هدف اصلی امام علی علیه السلام برقراری نظم و امنیت مطابق با فرامین قرآن کریم با تکیه بر سنت نبوی بود. ایشان در دوره زمامداری خویش تلاش کرد تا با تکیه بر امنیت معنوی و رهبری مدبرانه، حقوق و امنیت مادی مردم تأمین شود. ایشان به کارگزاران خود می‌فرمود که برای یکپارچگی و اتحاد جامعه و پرهیز از تفرقه که باعث ناامنی می‌شود تدابیر مناسبی را در نظر بگیرند. امام مرتب هشدار می‌داد تا امنیت را در ابعاد گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی به درستی و بر اساس شرع برقرار سازند. با مطالعه نهج البلاغه می‌توان مفهوم امنیت در سیره آن حضرت را شناسایی کرد. در آن کتاب عدالت و برابری توأمان مطرح شده‌اند. با این که در آن دوره حکومت درگیر نبردهای متعدد با مخالفان و اشراف بود اما امام علی علیه السلام سعی کرد تا انسجام مسلمانان را حفظ کند و با انتخاب افراد شایسته مرزها را از تجاوز دشمن ایمن دارد. بیگانگان از جنگ‌های داخلی امیرالمؤمنین خبر داشتند و ممکن بود به ممالک اسلامی حمله کنند اما تدابیر صحیح امام علی علیه السلام موجب خنثی شدن تهاجم آنان شده بود. در نقطه مقابل معاویه با انجام فتوحات امنیت را در جامعه اسلامی برقرار کرده بود. او بیشتر به دنبال آرامش امویان بود. او با خشونت و ترساندن مردم و القای این تفکر که نماینده خداوند است همگان را به تبعیت فراخواند تا از بروز شورش جلوگیری کند. معاویه بیت المال را به خزانه شخصی تبدیل کرد. او با بی‌عدالتی امنیت اقتصادی مسلمانان را تضعیف کرد؛ در حالی که امام علی علیه السلام با وسواس به بهبود معیشت جامعه می‌اندیشید. معاویه تنها در سیاست خارجی و امنیت نظامی مرزها موفق بود و در سایر موارد به علت زورگویی و منفعت‌طلبی به موفقیت نرسید؛ اما عملکرد امیرالمؤمنین در همه زمینه‌های امنیتی مثبت بود. روش امام می‌تواند الگوی مناسبی برای سیاستمداران امروزی باشد تا با تقلید از ایشان امنیت مردمان را تضمین کنند. پیروی از سیره علوی قدرت ممالک اسلامی و رضایت مسلمانان را در پی خواهد داشت.

منابع

- نهج البلاغه (بی‌تا)، محقق صبحی الصالح، قم، دارالهجره.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۹۶۵)، شرح نهج البلاغه، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ش)، تاریخ کامل، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران، اساطیر.
- ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد (۱۴۱۱)، الفتوح، بیروت، دارالأضواء.
- ابن‌الاکوئه، محمد بن محمد (۱۹۷۶)، معالم القربه فی احکام الحسبه، تحقیق محمد محمود شعبان و صدیق احمد عیسی مطیعی، مصر، العامه الکتاب.
- ابن جوزی، عبدالرحمان (بی‌تا)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن‌شعبه حرانی (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم، جامعه مدرسن.
- ابن‌عساکر، علی بن حسن (بی‌تا)، تاریخ مدینه دمشق، بی‌جا، دارالبشیر.
- ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۷۴)، البدایه و النهایه، بیروت، مکتبه المعارف.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، لسان‌العرب، بیروت، دارصادر.
- اکبری، اسدالله (۱۳۸۹ش)، «سیره امنیتی و اطلاعاتی امام علی (علیه‌السلام)»، فصلنامه فرهنگ پژوهش، دوره ۳، ش ۷، تابستان، ص ۱-۱۴.
- امامت پژوهی (۱۳۸۹ش)، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۶ش)، تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، تهران، سمت.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، انساب‌الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر.
- _____ (۱۹۵۷)، فتوح البلدان، تحقیق عبدالله انیس طباع، بی‌جا، دارالنشر للجامعین.
- پاشایی هولاسو، امین و همکاران (۱۳۹۶ش)، «شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق امنیت ملی در نهج‌البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، دوره ۵، ش ۱۸، ص ۳۳-۵۳.
- تقی‌زاده چاری، رمضانعلی (۱۴۰۲ش)، «امنیت از نگاه امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه با تأکید بر ابعاد راهبردی آن در امر حکومت»، پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، دوره ۱۰، ش ۱۸، ص ۳۸۳-۴۱۲.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (بی‌تا)، الغارات، تحقیق جلال‌الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۱۴)، التاج فی اخلاق الملوک، مصر، المطبعه الأميریه.

- حاجی زاده، یدالله (۱۳۹۷ش)، «کسب امنیت ملی از منظر امام علی علیه السلام با تأکید بر نقش و کارکرد نیروهای نظامی و انتظامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال دوم، ش ۶، ص ۷۱-۸۷.
- خسروی، رضا و نجف لک زایی (۱۳۹۵ش)، «امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علی علیه السلام با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر»، پژوهش های نهج البلاغه، سال ۱۵، ش ۵۰، ص ۱۰۷-۱۳۳.
- دورانت، ویل (۱۳۷۰ش)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۸۴ش)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۸۹)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر الاعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت دارالکتب العربی.
- الریس، ضیاءالدین (۱۳۷۳ش)، خراج و نظام های مالی دولت های اسلامی: از آغاز تا نیمه دوم قرن سوم، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۹ش)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر.
- شهیدی، جعفر (۱۳۶۶ش)، پژوهشی تازه در قیام امام حسین علیه السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ (۱۳۸۳ش)، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- شیرکش، میثم و همکاران (۱۳۹۷ش)، «راهبردهای اطلاعاتی امنیتی امام علی علیه السلام در دوران حکومت»، فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی، سال ۱۳، ش ۱، ص ۲۳۳-۲۵۲.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الرسل و الملوک، بیروت، دارالتراث.
- عاشوری لنگرودی، حسن (۱۳۷۹ش)، «امام علی علیه السلام و امنیت ملی»، نشریه فرهنگ کوثر، ش ۴۸، ص ۱-۱۴.
- عالمی، خدیجه (۱۳۹۱ش)، «معاویه و باز تعریف سیره خلیفه به سبک کسرایی و قیصری»، پژوهش نامه تاریخ اسلام، دوره ۱، ش ۸، ص ۱۳۳-۱۶۰.
- فشی، حامد و حسن نبئی (۱۳۹۷ش)، «بررسی ابعاد و مؤلفه های حفاظتی نامه ۵۳ نهج البلاغه»، پژوهش های حفاظتی و امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال ۷، ش ۲۶، ص ۵۵-۸۶.
- گراوندی، مریم و همکاران (۱۳۹۹ش)، «اوضاع سیاسی و اقتصادی دمشق در دوران فرمانروایی معاویه»، فصلنامه تاریخ، سال ۱۵، ش ۵۶، ص ۹۷-۱۲۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱ش)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
- لباف، فریبا (۱۳۸۵ش)، «سیره عملی امام علی علیه السلام، در استقرار نظم و امنیت، فصلنامه دانش انتظامی»، سال ۸، ش ۳، ص ۷۶-۹۹.

- لزگی، علینقی، محمد صافحیان و رسول محمدجعفری (۱۳۹۹ش)، «مؤلفه‌های آمادگی دفاعی فرماندهی و مدیریت نظامی در نهج البلاغه با تکیه بر سرمایه انسانی»، مدیریت نظامی، سال ۲۰، ش ۳، ص ۱۱۵-۱۴۴.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۸۲ش)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پابنده، تهران، علمی و فرهنگی.
- مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۹ش)، تجارب الامم، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.
- معین، محمد (۱۳۸۱ش)، فرهنگ معین، تهران، ادنا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۷۲ش)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم، کنگره شیخ مفید.
- مقریزی، تقی الدین (۱۴۲۰)، امتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفده والمتاع، بیروت، دارلکتب العلمیه.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴)، وقعه صفین، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- یعقوبی، احمد (۱۳۸۱ش)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی.



پروژہ شکار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی